

بررسی فقهی تربیتی ازدواج مسیاری در مطابقت

با ازدواج دائم و موقت *

□ طاهرعلی محمدی ***

□ عبدالجبار زرگوش نسب **

چکیده^۱

نکاح مسیاری که در کشورهای حوزه خلیج فارس رواج یافته، به نکاحی گفته می‌شود که برخی شرایط نکاح مثل ایجاب و قبول و مهریه را دارا است، اما در آن، التزامی به حقوق زوجیت وجود ندارد و زوجه از برخی حقوق خویش، مانند حق نفقه، سکنی، لباس و حق قسم، می‌گذرد. در جواز و عدم جواز این ازدواج میان فقهای اهل سنت اختلاف وجود دارد. با توجه به ابتلای بخشی از جامعه سنی مذهب به آن از یک سو و آثار تربیتی منفی آن از دیگر سو، بررسی مشروعیت این ازدواج در مقایسه با شرایط و لوازم نکاح دائم و موقت، و بیان آثار تربیتی آن در مقایسه با ازدواج‌های مذکور ضرورت دارد. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته، چنین نتیجه گرفته شده است که ازدواج مسیاری به دلیل عدم مطابقت با ازدواج دائم معتبر از نگاه اهل سنت و امامیه و نیز تفاوت ماهوی با نکاح موقت، و نیز نداشتن دلیل جداگانه، مشروعیت ندارد و آثار منفی تربیتی متعددی را به بار می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج مسیاری، ازدواج دائم، ازدواج موقت، آثار تربیتی، حقوق زوجیت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۱/۳؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۲۸.

*** عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) (tahghighat@chmail.ir).

** عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه ایلام.

بیان مسئله

یکی از ازدواج‌هایی که در میان اهل سنت رواج یافته، ازدواج مسیاری است. این نوع نکاح یک اصطلاح عامیانه برای موردی است که مرد در یکی از شهرهای واقع در مسیر گردش و تردد برای تجارت یا کسب علم با زنی ازدواج می‌کند با این هدف که در زمان تحصیل یا تجارت نزد زوجه باشد. ازدواج مذکور برخی از شرایط نکاح دائم مثل ایجاب و قبول و مهریه را داراست؛ با این تفاوت که در آن التزامی به حقوق زوجیت وجود ندارد و زوجه از برخی حقوق خویش، مانند حق نفقه، سکنی و حق قسم، می‌گذرد. از آنجایی که چنین ازدواجی از همه شرایط و احکام نکاح دائم برخوردار نیست، در حلیت و حرمت آن میان مفتیان اهل سنت اختلاف وجود دارد که می‌طلبند در خصوص ماهیت و حکم آن بررسی دقیق صورت پذیرد. اهمیت موضوع از آنجا بیشتر می‌شود که آثار تربیتی خاص و متفاوت با دو ازدواج دائم و موقت را به دنبال دارد.

در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌پذیرد، به این سؤالات پاسخ داده می‌شود که ازدواج مسیاری در مقایسه با دو نکاح دائم و موقت چه نقاط مشترک و اختلافی دارد، و آیا می‌تواند مصداقی برای یکی از آن دو تلقی گردد و بدینسان حکم به مشروعیت آن داد یا خیر، و دیگر آنکه از جنبه تربیتی چه آثاری را در پی خواهد داشت.

مفهوم ازدواج مسیاری

واژه «مسیار» در کتب لغت دیده نمی‌شود، هرچند ممکن است از ریشه «سار یسیر سیراً»، به معنای راه رفتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۳۸۹؛ راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۲)، گرفته شده باشد. واژه سیر در قرآن کاربرد دارد، آنجا که می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ... (حج: ۴۶)؛ آیا آنان در زمین سیر نکردند». بعضی می‌گویند: مسیاری صیغه مبالغه از سیر است؛ یعنی کثیرالسیر (تمیمی، ۱۴۱۸: ۴۶/۱۰).

این واژه در اصطلاح ازدواجی است که زن با شوهرش در تخفیف مهر، مسکن شرعی، میت و نفقه مدارا می‌کند. گاهی این ازدواج، محرمانه و مخفیانه صورت می‌پذیرد و غالباً زن در کشور و شهر خود است و شوهر با زن دائمی دیگر در کشور خود اقامه دارد (ابوالصل، ۲۰۰۸: ۱۶).

نیز گفته‌اند مسیاری ازدواجی است که در آن، مرد و زن با دارا بودن همه شرایط عقد شرعی می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرف‌نظر می‌کند (تمیمی، ۱۴۱۸: ش ۴۲ / ۱۰). البته این تعریف ناقص است، زیرا چنان‌که اشاره شد و نیز خواهد آمد، زن علاوه بر صرف نظر کردن از نفقه و حق مسکن، از حق قسم (هم‌خوابگی) و میت (شب‌خوابی) و لزوم رعایت عدالت میان همه همسران می‌گذرد (مکارم، ۱۴۲۴: ۵ / ۲۲).

یوسف قرضاوی می‌گوید: مسیاری کلمه‌ای است که در خلیج رواج یافته و شاید به معنای مرور به زوجه یا سیر به وی می‌باشد و ازدواجی است که در آن زندگی دائمی و میت نیست (همان). برخی نیز گفته‌اند منظور از مسیاری در بین عرب‌های کشورهای ساحل خلیج فارس دیدار روزانه زودگذر است، همان‌گونه که در مهمانی‌ها توقف میزبان کوتاه می‌باشد. وجه تسمیه ازدواج مسیاری آن است که شوهر غالباً در دیدارهای روزانه مانند دیدار از همسایه‌ها به دیدن زوجه می‌رود (تمیمی، ۱۴۱۸: ۴۶ / ۱۰). غالباً ازدواج مسیاری ازدواج دوم یا سوم است و نوعی از تعدد زوجات محسوب می‌شود (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۳).

ماهیت ازدواج مسیاری

ازدواج مسیاری پدیده‌ای جدید است که ابتدا در منطقه تمیم عربستان سعودی ظهور پیدا کرد و سپس در سایر مناطق و کشورها گسترش یافت و ظاهراً کسی که فکر اولیه این ازدواج را مطرح نمود فهد الغنیم بوده است (تمیمی، ۱۴۱۸: ش ۴۶ / ۱۱). البته بعضی دیگر سعی کرده‌اند برای ازدواج مسیاری سابقه تاریخی ساخته و در این زمینه به برخی از متون فقهی اهل سنت مانند ابن‌قدامه استناد کرده‌اند. وی گفته است: «مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید در هر هفته یک شب نزد وی باشد یا در ازدواج دیگری شرط کند که در هر ماه ۵ یا ۱۰ درهم به زوجه نفقه بدهد یا شرط

نماید روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود...» (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۷/ ۴۵۰). به عقیده اینان تفاوتی میان آنچه ابن قدامه آورده و آنچه در حال حاضر به نام عقد مسیاری وجود دارد، جز در اسم نیست (بریدی، ۲۰۰۷م). البته این صرفاً یک ادعاست، زیرا ابن قدامه در مورد ازدواج دائم و شرایط ضمن آن بحث کرده و چنانکه خواهد آمد، ازدواج مسیاری متفاوت از دائم است؛ ضمن آنکه حتی در صورت اثبات این سابقه تاریخی مشروعیتش ثابت نمی‌شود، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی وجود این ازدواج در عصر تشریح گردد و آنچه مفید برای اثبات چنین ازدواجی است، تحقق آن در عصر تشریح و زمان رسالت پیامبر است.

اسباب و انگیزه‌های ازدواج مسیاری

اسباب و انگیزه‌های مختلفی برای گرایش به این نوع ازدواج ذکر شده است که تأثیراتی تربیتی نیز بر فرد و جامعه دارند. ابتدا به مواردی اشاره می‌کنیم که باعث می‌شود مردان به سمت و سوی این نوع ازدواج کشش پیدا کنند.

الف. نیاز به ازدواج و عدم توانایی مالی؛ برخی از مردان نیاز به بیش از یک زن دارند، ولی از توانایی مالی برای ازدواج مجدد و تأمین هزینه‌های آن برخوردار نیستند، لذا خواهان ازدواج مسیاری هستند تا هم به نیاز خود پاسخ داده و هم متحمل هزینه زیاد نگردند. گاهی نیز مرد توان مالی دارد، ولی نمی‌خواهد اموال خود را در این راه خرج کند. از این رو، متمایل به ازدواج مسیاری می‌شود (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۸).

ب. طمع به ثروت زن؛ از راه این ازدواج، ممکن است همه یا بخشی از اموال زن به ملکیت در بیاید، زیرا گاهی زنان ثروتمند به سبب ترس از جدا شدن شوهرانشان، بخشی از اموال خود را در برابر چنین ازدواجی به زوج می‌بخشند (غامدی، ۲۰۰۷؛ اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۸).

ج. خودداری از ناراحت کردن زن اول یا نارضایتی خویشاوندان و فرزندان از ازدواج مجدد؛ برخی مردان به همین دلیل در مواردی که در دو شهر کار می‌کنند پنهانی اقدام به ازدواج مسیاری می‌نمایند (ر.ک: اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۰).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت قصد اصلی مردان از اقدام به این ازدواج، تمتع جنسی با تحمل هزینه کمتر یا بدون هزینه است.

اما مواردی که باعث انجام چنین ازدواجی از سوی زنان می‌شود، عبارت است از:

الف. مادر شدن؛ برخی از زنان که به هر دلیلی تأخیر در ازدواج داشته‌اند و سناشان بالا رفته و مرد مناسبی را نمی‌یابند که میل ازدواج با آنها داشته باشد، و (از طرفی) علاقه به مادر شدن و اشباع عاطفه مادری دارند، خواهان ازدواج مسیار هستند، هرچند به عنوان همسر دوم یا سوم باشند. این زنان در ازدواج مسیار راهی برای تحقق هدف مادر شدن می‌یابند و (از این رو) در ازدواج مسیار یک شرط می‌کنند و آن حامله شدن و فرزندآوری است و در این حال تمامی مسئولیت‌های تربیت، تکالیف و هزینه‌های اقتصادی طفل را خود بر عهده می‌گیرند (غامدی، ۲۰۰۷؛ اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۸).

ب. نیاز جنسی؛ زنانی وجود دارند که ازدواج معمولی پاسخ‌گوی نیاز جنسی آنان نبوده، خواهان ازدواج مسیار هستند. بعضی نقش ارضای غریزه جنسی در ترویج این ازدواج را مهم شمرده‌اند، چون غریزه جنسی از قوی‌ترین غرایز نفسانی انسان محسوب می‌شود و انگیزه دعوت‌کننده به اشباع آن قوی است (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۷).

ج. تأمین اقتصادی؛ پیش از این، مردان رغبت بیشتری برای ازدواج مسیار داشتند، اما اکنون زنان خواهان ازدواج مسیار می‌باشند و شرایط ازدواج بر حسب نیاز زن تعیین می‌گردد مانند: تأمین محل سکونت، حساب بانکی، ماشین و تعیین وقت برای حضور شوهر (غامدی، ۲۰۰۷). در ازدواج مسیار، زن شرط می‌کند که زوج به عنوان معامله اقتصادی، اجاره منزل وی را پرداخت نماید. حتی اگر نکاح با طلاق و... پایان پذیرد، عقد اجاره قطع نمی‌شود. لذا ازدواج مسیار برای او در مدت کوتاهی منعقد می‌شود و هیچ نوع استقراری در آن نیست و این شرط سبب می‌گردد، زن برای مدت طولانی از مسکن مناسب برخوردار شود (همان).

د. افزایش جمعیت زنان مجرد؛ تعداد زیادی از زنان که به سن ازدواج می‌رسند امکان ازدواج برایشان فراهم نیست و به همین دلیل به ازدواج مسیاری روی می‌آورند. عواملی متعددی چون جنگ، ازدواج با زنان خارجی، دیدگاه منفی مردان و جامعه در مورد زنان ازدواج نکرده یا زنان مطلقه، به ویژه اگر از شوهر سابق فرزندی داشته باشند، باعث عدم ازدواج آنان می‌شود (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۸).

ه. داشتن محرم برای سفر؛ عده‌ای از دختران دانشجو به سبب داشتن محرم در سفر خواهان ازدواج مسیاری هستند. زنان با مردانی که کثیراً سفر یا خارجی هستند و معمولاً هر ماه یا دو ماه یک بار به سفر می‌روند، ازدواج می‌کنند. برای این زنان جزئیات زندگی زناشویی و استمرار آن مهم نیست، بلکه مسافرت و گردش به نقاط مختلف دنیا مهم است، زیرا چنین سفرهایی فقط با محرم در این کشورها امکان‌پذیر است. مهم‌ترین شرط برای استمرار این ازدواج، استمرار سفرهاست و زندگی زناشویی با پایان سفرها پایان می‌پذیرد (غامدی، ۲۰۰۷). البته اگر ازدواج به انگیزه مسافرت باشد ازدواج مسیاری نامیده می‌شود (ابوالفضل، ۲۰۰۸: ۱۰).

و. فرار از پذیرش مسئولیت؛ زنانی که نمی‌توانند بین شغل، کارهای خانه، نیازهای شوهر و حضانت کودکان وفق دهند، خواهان ازدواج مسیاری هستند که برایشان مناسب‌تر است. به همین دلیل، برخی آن را به عنوان جایگزین ازدواج شرعی معمولی انتخاب می‌نمایند که در آن زوجه جز ساعاتی که در خانه است، مسئولیتی ندارد، زیرا در چنین ازدواجی زن شرط می‌نماید که شوهر از زمان ورود و خروجش از منزل و مکان‌هایی که می‌رود سؤال نکند و در روابط خود آزاد باشد (غامدی، ۲۰۰۷). به همین سبب، در عربستان بسیاری از زنان پزشک خواهان ازدواج مسیاری با غیرسعودی‌ها هستند، چون مردان عربستانی معمولاً نمی‌پذیرند که زن در ساعات طولانی خارج از منزل باشد (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۷).

حکم ازدواج مسیاری از دیدگاه اهل سنت

میان علمای اهل تسنن درباره حکم ازدواج مسیاری اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل می‌آید:

۱. الف. حکم به جواز

بسیاری از بزرگان اهل سنت، مثل بن باز مفتی عربستان سعودی، به جواز آن فتوا داده‌اند. همچنین قرضای از مفتی‌های مصر که رساله‌ای را به نام «النکاح المسیاری موضوعه و حکمه» نوشته و نیز دکتر نصر فرید و اصل فتوا به جواز آن داده است (ر.ک: مکارم، ۱۴۲۴: ۵ / ۲۱ - ۲۲). قرضای در کتاب خود می‌نویسد: «من در مجلسی شرکت کرده بودم که حدود بیست نفر از فقهای اسلام در آنجا بودند وقتی سخن از نکاح مسیاری به میان آمد و من فتوی به حلیت دادم اکثریت قاطع علمای حاضر با من موافقت کردند». از این سخن معلوم می‌شود که فتوای به جواز در میان آن‌ها فتوای فراگیری شده و ضرورت زمان، آن‌ها را به اینجا کشانده است (همان: ۲۲).

کسانی که ازدواج مسیاری را ازدواجی صحیح و مشروع دانسته‌اند، درباره شرایط آن اختلاف نظر دارند. برخی تمام شرایط آن را صحیح شمرده و عده‌ای اصل ازدواج را صحیح و شرایط ضمن آن (مانند شرط اسقاط حق نفقه و مبیعت) را باطل و زوجه را مستحق مطالبه آن‌ها دانسته‌اند (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۸).

بعضی زوج را به ایفای تعهد در برابر همسر فراخوانده و قائل به ریاست او شده‌اند، به نحوی که باید تا حد امکان مشکلات زندگی را مرتفع سازد. طرفداران این نظریه غالباً این نوع ازدواج را نمی‌پسندند، به همین سبب، درباره حکم این ازدواج، عبارت: «اباحه همراه با کراهت» را مطرح نموده‌اند. یوسف قرضای می‌گوید: «از مروجان ازدواج مسیاری نیستم و خطبه عقدی را که برای آن باشد نمی‌خوانم. این ازدواج مباح با کراهت است، یعنی حلالی است که مستحب نیست و بیم آن می‌رود که به دنبال چنین ازدواجی خسارت و مفاسدی باشد» (همان: ۱۷۵).

وهبه الزحیلی درباره ازدواج مسیاری می‌گوید: «شرعاً در این ازدواج رغبتی نیست، چون در آن مقاصد شرعی یعنی آرامش، اشراف بر اهل و اولاد، رعایت و حفاظت کامل از خانواده، و تربیت کامل محقق نمی‌شود» (همان).

۲. دلایل موافقان جواز

برخی از قائلان به جواز در استدلال بر صحت آن به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:

۱. این ازدواج ارکان و شرایط ازدواج صحیح را داراست، زیرا دارای ایجاب و قبول، شرایط معروف ازدواج یعنی رضای طرفین، ولایت، شهادت، کفایت و صداق توافقی است. برای صحت این ازدواج باید موانع شرعی منتفی شود (زن در عده نباشد و...). پس از محقق شدن آن برای طرفین، تمامی حقوق مترتب بر ازدواج از جهت نسل و ارث، عده، طلاق، استباحه بضع، مسکن، نفقه و سایر حقوق و تکالیف ثابت می‌شود. فقط زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق میت یا قسم نداشته باشد و شوهر اختیار دارد که هر وقت خواست نزد زوجه بیاید (شعراوی، ۱۴۲۲: ۱۳۸). از آنجایی که اصل در عقود از جمله ازدواج، اباحه است، پس هر عقدی که ارکان و شرایط شرعی را دارا باشد، صحیح و مباح است، مادامی که منجر به حرام نشود (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۶). این دلیل، مهم‌ترین دلیل برای قائلان به اباحه و مشروعیت ازدواج مسیار است.

۲. در سنت آمده است که سوده از همسران رسول خدا | روز خود را به عایشه بخشید. وجه استدلال این است که بخشش سهم توسط سوده به عایشه و پذیرش پیامبر دلالت می‌کند بر اینکه زوجه می‌تواند حقی را که شارع برایش قرار داده، مانند نفقه و میت، ساقط کند (همان).

۳. در آن مصالح زیادی وجود دارد. این ازدواج غریزه فطری را پاسخ می‌دهد و از فحشا جلوگیری می‌کند و در مواردی زن فرزنددار می‌شود و بدون شک از تعداد زنان بی‌شوهر می‌کاهد (همان).

۴. از آنجا که انواع مشابه این ازدواج مانند ازدواج نهاریات و لیلیات در فقه وجود دارد، پس ازدواج مسیار هم درست است (همان، ۱۷۹).

۳. نقد و رد مستندات جواز از سوی مخالفان

در رد ادله جواز ازدواج مسیار چنین گفته شده است:

۱. با وجود ارکان و شرایط ازدواج صحیح، شرط اسقاط نفقه و مبیعت صحیح نیست، زیرا خداوند بر شوهر واجب نموده که به زوجه انفاق نماید و در بین زوجات نسبت به نفقه و مبیعت عدالت را رعایت کند، چنانکه بر همسر هم اطاعت از زوج را واجب کرده است. این موارد از آثار ازدواج صحیح بوده و چون خداوند آن را فرض و تشریح نموده است، افراد نمی‌توانند برخلاف آن شرط کنند و به نقیض آن ملتزم شوند، چون در این صورت متناقض با حکم شرعی خواهد بود. ممکن است کسی ادعا کند از بین رفتن نفقه و مبیعت در ازدواج مسیاری از باب اشتراط شوهر بر همسر نیست، بلکه همسر از حقوقش صرف‌نظر می‌کند. در پاسخ باید گفت بسیاری از ازدواج‌های مسیاری از باب اشتراط زوج بر زوجه است و بر فرض اینکه زن از حق خود صرف‌نظر کند، این کار مشروع نیست، چون حق نفقه و مبیعت قابل اسقاط نیست (همان: ۱۸۰).

۲. استدلال به حدیثی که بر طبق آن سوده سهم خود را به عایشه بخشید، نیز نمی‌تواند دلیلی بر مشروعیت ازدواج مسیاری باشد، زیرا حق مبیعت ملک سوده بوده که آن را بخشیده، و در عقد، شرط اسقاط گنجانده نشده است (همان). به عبارت دیگر، بخشش حق قسم بعد از عقد با اشتراط نبودن آن در ضمن عقد تفاوت دارد و در ازدواج مسیاری، شرط نبودن حق قسم می‌شود که این با قضیه سوده تفاوت دارد.

۳. وجود مصالح زیاد (تربیتی) برای ازدواج مسیاری صحیح نیست، زیرا بیشترین اثری که در مورد مسیاری بیان شده کاهش زنان بی شوهر و اشباع رغبت جنسی زنان است. اولاً، تعداد زنانی که ثروتمند بوده و نیاز مالی نداشته باشند کم است و فقط مشکل تعداد اندکی از زنان حل می‌شود. ثانیاً، مفاسد زیادی بر این ازدواج مترتب است (همان: ۱۹۴) که از مهم‌ترین آن‌ها نادیده گرفتن حقوق زنان و ترویج تسامح نسبت به حقوق آنان است. گذشته از این‌ها این مصلحت‌اندیشی‌ها، صرفاً استحساناتی احساسی و یا حداکثر عقلی است که مجوز جعل و وضع چنین ازدواجی نمی‌شود. اگر به چنین استحساناتی میدان داده شود، چه تضمینی وجود دارد که باعث دخل و تصرف در سایر احکام الهی نشود؟ قطعاً این خود از بزرگ‌ترین مفاسد امضا، ترویج و شرعی دانستن ازدواج مسیاری است.

۴. استدلال به وجود ازدواج‌های شبیه مسیاری یعنی نکاح نهاریات و لیلیات نیز صحیح نیست. این ازدواج‌ها همانند ازدواج مسیاری مورد اختلاف علما بوده و بسیاری آن را نپذیرفته‌اند (همان: ۱۹۵). به عبارت دیگر، اصل مشروعیت خود این ازدواج‌ها ثابت نشده تا بتوان با معیارها و مبانی مورد پذیرش اهل سنت، نکاح مسیاری را با آن‌ها سنجد و معتبر دانست.

۴. ب. حکم به حرمت

برخی دیگر از علمای اهل سنت قائل به حرمت ازدواج مسیاری شده‌اند. عبدالغفار الشریف می‌گوید:

مسیاری بدعتی است که انسان‌های ضعیف النفس و کسانی که می‌خواهند از مسئولیت‌های خانواده رها شوند پدید آورده‌اند و از طریق ازدواج، نیاز جنسی خود را تحت عنوانی شرعی برآورده می‌سازند. لذا ازدواج مسیاری جایز نیست، هرچند به صورت عقد شرعی باشد (همان: ۱۹۴ - ۱۹۵).

۵. دلایل مخالفان بر حرمت

در رد این نوع ازدواج به دلایلی تمسک شده است که در پی می‌آیند:

الف. این ازدواج مخالف با مقتضای عقد است و موجب خلل در مقدار مهر و کم یا زیاد بودن آن می‌شود و نیز آن را به ازدواج متعه نزدیک می‌سازد (قرافی، ۱۹۹۴: ۴/ ۴۰۴).

البته این دلیل تنها بر اساس مبانی خود اهل سنت که متعه را حرام می‌دانند و نیز مطابق با دیدگاه خود ایشان که خلل در میزان مهر را مبطل عقد می‌داند جاری است، اما مطابق دیدگاه امامیه، نه کم و زیاد کردن مهر، در مشروعیت و عدم مشروعیت نکاح مؤثر خواهد بود و نه نکاح متعه مشکلی دارد.

ب. ازدواج مسیاری با مقاصد شرعی ازدواج منافات دارد. هدف از ازدواج در اسلام، تنها برآورده ساختن نیاز جنسی نیست، بلکه ازدواج سنت پیامبر است و برای مقاصد فردی، اجتماعی و

دینی، مانند مودت و رحمت، سکون و آرامش، حفظ نوع انسانی، تعهد کامل و رعایت حقوق و تکالیف زوجین، تشریح شده، در حالی که ازدواج مسیاری هیچ کدام از این مقاصد را محقق نمی‌سازد (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۸۱).

ج. روش این ازدواج با ازدواجی که اسلام آورده و بین مسلمانان مرسوم بوده، تنافی دارد و مسلمانان با چنین ازدواجی انس ندارند و آشنا نیستند (همان).

د. بعضی از شروط ازدواج مسیاری، با مقتضای عقد مخالف است، مثل شرط کردن اسقاط نفقه و مبیعت. بنابراین، عقد باطل می‌شود. زوجه از حق نفقه و مبیعت می‌گذرد، ولی در بسیاری از موارد نظرش عوض می‌شود، بخصوص پس از آگاهی به حقوقی که شرعاً و عرفاً در ازدواج پیدا می‌کند (بریدی، ۲۰۰۷).

ه. این نوع ازدواج دارای مفاسد تربیتی است، چون اولاً، در آن، مقدار مهر، ساده گرفته شده و شوهر مسئولیت خانواده را به عهده نمی‌گیرد. لذا ازدواج و طلاق برای زوج آسان خواهد بود (و بنابراین از استحکام لازم برخوردار نیست). ثانیاً، ممکن است این ازدواج به صورت پنهانی و بدون حضور ولی واقع شود که این خود، باعث می‌شود ازدواج مسیاری به عنوان بازیچه‌ای در دست هواپرستان قرار گیرد. ثالثاً، اگر زن در این ازدواج دارای فرزند شود، دوری از شوهر و ارتباط کم با وی تأثیر منفی در تربیت و اخلاق فرزند خواهد گذاشت (همان).

۶. ج. توقف در حکم ازدواج مسیاری

عده‌ای از علما در حکم جواز یا حرمت توقف کرده‌اند، چون حکم مسئله برای آنان روشن نبوده است (همان). بعضی گفته‌اند: سبب توقف بعضی از علما در حکم به جواز، این است که عده‌ای از مردم در این ازدواج افراط نموده و دچار انحراف شده‌اند و از جانب برخی افراد ضعیف‌النفس مورد سوء استفاده واقع شده و مؤسساتی ایجاد شده که برای ازدواج مسیاری قیمت تعیین می‌کنند و شکی نیست که این وضعیت باعث می‌شود در جواز ازدواج مسیاری تردید شود و بدون تردید

عواقب و آثار منفی زیادی که این ازدواج دارد دلالت می‌کند بر اینکه در آن فساد هست (عتیبی، ۱۴۱۸: ۲۸).

به نظر می‌رسد توقف معنایی ندارد، زیرا وقتی حکم آن روشن نیست و از طرف شارع هم دلیلی بر مشروعیت آن نیامده، باید حکم به بطلان و حرمت داد؛ به ویژه اینکه آثاری منفی هم برای آن ذکر کرده‌اند. ضمناً امکان سوء استفاده از یک موضوع نمی‌تواند دلیل بر توقف در حکم به جواز و عدم جواز آن باشد، زیرا چنین امری در هر حکم شرعی‌ای محتمل است. به عبارت دیگر، برای حکم به جواز یا حرمت یک مسئله نباید سراغ امکان یا عدم امکان سوء استفاده از آن رفت، زیرا امکان سوء استفاده از بسیاری از احکام شرعی دیگر مثل نکاح دائم هم می‌رود، با اینکه کسی در مشروعیت آن‌ها شکی ندارد.

بعد از ذکر اقوال در مسئله و دلایل آن‌ها، در اینجا برای بررسی مشروعیت و یا بطلان آن به ارکان و شرایط ازدواج دائم از دیدگاه فریقین و نیز ارکان ازدواج موقت از دیدگاه امامیه می‌پردازیم و در ذیل هر بحث به مقایسه نکاح مسیار با دو ازدواج مذکور را مقایسه و دیدگاه صحیح را استنتاج می‌کنیم.

۷. ازدواج دائم از دیدگاه اهل سنت و تطبیق نکاح مسیار با آن

ازدواج دائم از نظر اهل سنت شرایطی دارد که در اینجا به برخی از آن‌هایی که طبق دیدگاه همه یا برخی از فقهای اهل سنت در نکاح مسیار وجود ندارند اشاره می‌شود.

حنفیه، شافعیه و حنابله اتفاق دارند که عقد ازدواج جز با وجود چند شاهد منعقد نمی‌شود. در این میان، حنفیه حضور دو مرد، یا یک مرد و دو زن را کافی دانسته، ولی عدالت شاهد را شرط نکرده‌اند. نیز شهادت زن به تنهایی نزدشان صحیح نیست. اما شافعیه و حنابله گفته‌اند: شهود باید دو مرد مسلمان عادل باشند. به نظر مالکیه، هنگام عقد، حضور شاهد واجب نیست، ولی زمان مقاربت واجب است. اگر عقد جاری شد و کسی حضور نداشت عقد صحیح است، ولی موقع

مقاربت حضور دو شاهد واجب خواهد بود. هرگاه بدون شاهد مقاربت کرد، باید عقد آنان فسخ شود و این فسخ به منزله طلاق بائن است (جزیری، ۱۴۱۹: ۴/ ۳۰؛ زحیلی، ۱۹۷۷: ۸۰).

از آنجایی که نکاح مسیار گاهی به صورت مخفیانه و بدون حضور شاهد صورت می‌گیرد، مطابق دیدگاه سه مذهب حنفیه، شافعیه و حنابله صحیح نخواهد بود و بر اساس دیدگاه مالکیه در نهایت فسخ می‌شود.

از طرف دیگر، مالکیه، شافعیه و حنابله معتقدند: در ازدواج دختر بالغ رشید باکره، ولی به تنهایی استقلال دارد و اگر بیوه بود، ولی با او در این امر شریک است و هیچ‌کدام به تنهایی و بدون نظر یکدیگر نمی‌توانند رأی به ازدواج دهند و واجب است ولی، متولی انشای عقد شود و به انشا و گفته‌های زن هرگز عقد منعقد نمی‌شود، اگرچه ناچار باید با رضای زن باشد. اما فقهای حنفی می‌گویند: زن بالغ رشید چه باکره باشد چه بیوه، در اختیار کردن شوهر خود مختار و منفرد است و می‌تواند انشای عقد هم بکند و کسی بر او ولایت و حق اعتراض ندارد، به شرطی که هم‌شأن خود را انتخاب کند و به کمتر از مهرالمثل ازدواج نکند. هرگاه به غیر از هم‌شأن ازدواج کرد، ولی، حق اعتراض دارد و می‌تواند از قاضی فسخ ازدواج را بخواهد و اگر با هم‌شأن کمتر از مهرالمثل ازدواج کرد، در صورتی که زوج مهرالمثل را کامل نکند، ولی فسخ را طلب می‌کند (همان).

مستفاد از این شرط، به نظر جمهور اهل سنت به جز حنفیه، نکاح مسیاری که با حضور ولی دختر انجام نپذیرد باطل است. ضمناً به دلیل آنکه آنان ولی دختر را صاحب ولایت مستقل در ازدواج دختر بالغ رشید باکره و دارای ولایت مشترک با دختر بیوه خود می‌دانند، قاعدتاً چنین ازدواجی را که ملازمه با صرف نظر کردن از برخی حقوق زوجیت دارد و از این‌رو نوعاً بدون نظارت ولی انجام می‌پذیرد، نباید مجاز بدانند. حنفی‌مذهبان نیز با وجود اینکه زن بالغ رشید را در انتخاب شوهر خود مختار می‌دانند، به سبب آنکه شرط کرده‌اند نباید با غیر هم‌شأن و به کمتر

از مهرالمثل ازدواج کند، باید حکم به جواز فسخ نکاح مسیاری بکنند که دختر، چه باکره و چه بیوه، با غیر هم‌شان و یا کمتر از مهرالمثل ازدواج کرده است.

دیگر از شرایط نکاح دائم، نفقه است. در مورد نفقه همه مذاهب اجماع دارند که زناشویی سببی از اسباب وجوب نفقه و خویشی است (ر.ک: جزیری، ۱۴۱۹: ۴/۳۴-۲۴؛ زحیلی، ۱۹۷۷: ۸۵ - ۷۷) و ازدواج صحیح اقتضای آن را دارد. از آنجا که در نکاح مسیاری قبل از اجرای عقد، زوجه از نفقه (و به تبع آن از حق سکونت) صرف‌نظر می‌کند، اشتراط عدم آن، که به وسیله شارع مقدس جعل و قانون‌گذاری شده، آشکارا مخالف احکام الهی و شرعی است و از این‌رو مشروعیت ندارد.

بر این اساس، فقهای اهل سنت چاره‌ای جز حکم به بطلان ازدواج مسیاری ندارند و مشروع دانستن آن، بر خلاف مبانی مورد قبول خود آنان است. از این‌رو، مشاهده می‌شود که موافقان با نکاح مسیاری سعی می‌کنند با توجیهاتی خاص، آن را مصداق نکاح دائم به حساب بیاورند که البته چنین نیست، زیرا در نکاح دائم، زن از همه حقوق زوجیت برخوردار است، ولی در این ازدواج از بخش عمده‌ای از حقوق خود صرف‌نظر خواهد کرد.

۸. ازدواج دائم از دیدگاه امامیه و تطبیق آن با مسیاری

از دیدگاه فقهای امامیه، در نکاح دائم شرایطی مانند وجود زوجین، اجرای صیغه، تلفظ به آن، ماضی بودن صیغه (ر.ک: جبعی عاملی، ۱۴۱۲: ۲/۶۹ - ۷۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳/۱۵۶ - ۱۷۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۲۴۶-۲۵۰)، تنجیز و اتحاد مجلس (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۱۰؛ کرکی، ۱۴۱۴: ۱۲/۷۷) لازم است. به اجماع فقهای امامیه نه حضور دو شاهد واجب است (ر.ک: شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۲۶۱ - ۲۶۲؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۳۴۵) و نه علنی انجام دادن آن (جبعی عاملی، ۱۴۱۲: ۲/۶۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷/۱۲-۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹/۳۹ - ۷۰؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۲/۲۳۸)، اما حضور و اجازه ولی دختر بنا بر برخی فتاوی فقهای امامیه

لازم است و اجرای عقد ازدواج بدون اخذ اجازه صحیح نیست. بنابراین، ازدواج مسیاری که مخفیانه و بدون اذن ولی انجام پذیرد صحیح نخواهد بود.

در اینجا به دیگر لوازمی که برای مقایسه ازدواج مسیار با دائم از دیدگاه فقهای امامیه نیاز است اشاره می‌شود:

۱. وجوب نفقه که در مقابل تمکین زن بر مرد واجب خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۱۶۷؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۸/۳۰۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳/۶۱۳ و ۲۴/۷۰ و ۹۸؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۲/۱۶۳ - ۱۶۴؛ موسوی خمینی، بی تا: ۲/۳۱۳ - ۳۱۴). البته تمکن از آن، شرط صحت در نکاح نیست (موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۸۶)، هرچند یکی از حقوق زن محسوب می‌شود (همان: ۲/۳۰۶) و شرط عدم آن، مبطل است (ر.ک: نجفی، ۱۴۲۲: ۲۵۸). بنابراین، نکاح مسیار به دلیل اینکه در آن، شرط صرف نظر کردن از چنین حقی می‌شود، باطل خواهد بود.

۲. حق قسم و میت نیز از لوازم شرعی نکاح محسوب می‌شوند (جبعی عاملی، ۱۴۱۲: ۲/۱۲۹ و ۱۳۲؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۲/۷۶ و ۸۰؛ فیض کاشانی، بی تا: ۲/۲۹۰ - ۲۹۱؛ موسوی خمینی، بی تا: ۲/۳۰۳ - ۳۰۴).

۳. یکی دیگر از احکام و لوازم عقد نکاح این است که زوجه در خروج از منزل نیازمند اذن شوهر است (ر.ک: حلی، ۱۴۲۰: ۳/۵۸۷؛ فیض کاشانی، بی تا: ۲/۲۸۸)، هرچند برای دیدن والدین (موسوی خمینی، بی تا: ۲/۳۰۳)، رفتن به منزل خانواده‌اش، دیدار از بیماران و حضور در مراسم عزا و تسلیت به آنها باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۸/۳۰۸).

از آنجا که در ازدواج مسیار، زن از حق قسم و میت به اجبار و اشتراط می‌گذرد و از آن طرف، زوج نیز حق جلوگیری از خروج زن از منزل را ندارد، تمام این شرایط بر خلاف حکم الهی است و چنان‌که فقهای امامیه تصریح کرده‌اند، شرط مخالف با شرع باطل است (ر.ک: نجفی، ۱۴۲۲: ۲۵۳).

ارکان و شرایط ازدواج موقت

تحقق ازدواج موقت که تنها از نظر امامیه مشروعیت دارد، به غیر از شرایطی که همچون نکاح دائم باید داشته باشد، مثل اجرای صیغه (حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۴۷؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳/۵۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۱/۳۱۳)، منوط به دو رکن اساسی تعیین و ذکر مدت و مهر است، به گونه‌ای که هیچ‌گونه احتمال زیادی و نقصان در آن‌ها نرود (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۳۴۰؛ حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۴۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱۵۳). فیض کاشانی در خصوص لزوم ذکر مهریه می‌گوید: «ذکر مهر در ازدواج موقت شرط است و با نبودن آن به دلیل اجماع و روایات باطل می‌شود، و برای اینکه غرض اصلی از آن، استمتاع است که به همین سبب شبيه معاوضات (معاملات) محض می‌باشد، همان‌گونه که روایات با عبارت «فَإِنَّهُنَّ مُسْتَأْجَرَاتٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۱۸)، زیرا آن‌ها اجیر شده‌اند»، بر آن اشاره دارند، برخلاف ازدواج دائم که چنین نیست» (فیض کاشانی، بی‌تا: ۲/۲۶۱).

در ازدواج موقت نه طلاق و وجود دارد و نه توارثی میان زوجین (ر.ک: حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۵۱)، چنان‌که نفقه و حق قسم هم در آن واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱۵۷). اما به اعتقاد غالب فقهای معاصر، در ازدواج دختر بالغه رشیده، اذن پدر احتیاطاً شرط است (ر.ک: یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۶۲۴؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۲/۲۵۴؛ همو، ۱۴۲۴: ۲/۴۵۸). از این‌رو، در قانون مدنی نیز ضرورت اذن دختر از ولی (پدر یا جد پدری) مقرر شده است.

۹. بررسی مشروعیت مسیار در مقایسه با ازدواج موقت

ازدواج مسیار با ازدواج موقت تشابهات و تفاوت‌هایی دارد. در هر دو ازدواج، زن، حق نفقه، حق قسم و میت ندارد و زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند و خروج زن از منزل نیازمند اجازه شوهر نیست (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱۵۷؛ تمیمی، ۱۴۱۸: ش ۴۶/۱۰). اما تفاوت ازدواج مسیار با ازدواج موقت، چنان‌که گفته شد، در آن است که اولاً، در نکاح موقت باید مدت ازدواج تعیین شود و عدم تعیین مدت در عقد موجب بطلان آن می‌شود، ولی در ازدواج مسیار، مدت تعیین نمی‌شود

و به صورت عقد دائم منعقد می‌گردد. ثانیاً، در ازدواج موقت، به عقیده غالب فقهای معاصر، اذن پدر یا جد پدری احتیاطاً شرط است، در حالی که در ازدواج مسیاری نیازی به اذن آن دو نیست که این خود، مفاسد و آثار تربیتی خاصی را از جمله سوء استفاده مردان هوس‌باز از ساده‌اندیشی برخی دختران و فریب دادن آنان، آسیب رسیدن به دختران به لحاظ جسمی و روحی، گوشه‌گیری و انزوای آنان، سرنوشت نامعلوم کودکان حاصل از این نوع ازدواج و ... به دنبال خواهد داشت. نیز همان‌گونه که فقها تصریح کرده‌اند، پایان ازدواج موقت با انقضای مدت یا بذل مدت صورت می‌گیرد (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۱ / ۳۴۱)، ولی پایان مدت در مسیاری با طلاق است. بنابراین، با وجود برخی شباهت‌ها ماهیت ازدواج مسیاری با ازدواج موقت کاملاً متفاوت است و نمی‌تواند مصداقی برای آن باشد. از این رو، دلایل مشروعیت ازدواج موقت، مثبت مشروعیت مسیاری نخواهد بود.

۱۰. نظریه صحیح درباره ازدواج مسیاری

همان‌گونه که گفته شد، درباره این ازدواج علمای اهل سنت سه دسته شده‌اند، عده‌ای قائل به جواز، برخی قائل به حرمت آن و گروهی هم در حکم به یکی از جواز و حرمت توقف کرده‌اند. پاسخ قائلان به توقف و نیز قائلان به جواز ازدواج مسیاری قبلاً داده شد. اما پاسخ اصلی از مقایسه ازدواج مسیاری با دو نکاح دائم و موقت روشن گشت، زیرا از تطبیق آن‌ها با هم به دست آمد که مسیاری نه از افراد ازدواج دائم محسوب می‌شود و نه با ازدواج موقت مطابقت دارد. بنابراین، در مشروعیت خود نیاز به دلیل دارد، زیرا عقود شرعی اموری توقیفی هستند و اختیاردار و وضع و جعل آن‌ها شارع مقدس است و تا زمانی که شارع عقدی را تأسیس یا امضا نکرده باشد، معتبر و صحیح نخواهد بود، و در مورد ازدواج مسیاری که محل بحث این پژوهش می‌باشد، هیچ دلیلی از سوی شارع به دست ما نرسیده است. این مطلب از بررسی دلایل مخالفان و موافقان آن فهمیده می‌شود. خود این عدم دلیل، در عدم مشروعیت آن کفایت می‌کند و نیازی به اقامه دلیلی جدید بر عدم جواز نیست. به عبارت واضح‌تر، عقد نکاح در اسلام یک حکم توقیفی شرعی است که نوع مشروع از آن با مقررات خاصش در شرع بیان شده است. بنابراین، هر نوع ازدواجی که

خارج از مقررات و احکام شرعی و متفاوت از نکاحی که تشریح شده است، به وقوع پیوندد، نامشروع خواهد بود.

در پاسخ سنی که برای حکم به حلیت آن به اصل اباحه استناد کرده‌اند باید گفت: اولاً، با توجه به توقیفی بودن عقود شرعی از دیدگاه برخی فقها، چنین اصلی در عقود جاری نیست. ثانیاً، در عقد ازدواج که با عفت و ناموس مردم مرتبط است و آثار تربیتی فراوانی دارد، باید احتیاط کرد و احتیاط مخالف با اصل اباحه است. ثالثاً، عقد نکاح صحیح با قیود و شرایطش در شرع مشخص شده و جایی برای جریان اصل اباحه نیست، زیرا شارع در این خصوص سکوت نکرده و در مقام بیان بوده و اقسام عقد شرعی را ذکر و تشریح کرده است، و اگر چنین نکاحی شرعیت داشت شارع باید بدان تصریح می‌کرد، به دلیل اینکه تأخیر بیان از وقت حاجت قبیح است؛ در حالی که چنین بیانی نرسیده. بنابراین، مسلماً از طرف خداوند تشریح نشده و صحت و اعتبار ندارد. از این رو، هر عقدی که قیود و شرایط ذکر شده در شرع برای ازدواج شرعی را دارا نباشد، اصل در آن حرمت خواهد بود. و ازدواج مسیار این گونه است.

۱۱. آثار منفی تربیتی ازدواج مسیار

ازدواج مسیار در مقایسه با ازدواج دائم و متعه، آثار منفی تربیتی و نتایج زیان‌بار متعددی را به دنبال دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. چنین ازدواجی به دلیل عدم اثبات مشروعیت آن، تفاوتی با زنا نخواهد داشت و از این رو عفت زن و مرد را خدشه‌دار می‌سازد. در نتیجه ترویج آن باعث آلوده شدن فضای جامعه به گناه می‌شود و به لحاظ تربیتی زمینه ساز رواج زنا با پوشش دینی و نیز سایر گناهان با توجیهاتی دینی خواهد شد، در حالی که ازدواج دائم و موقت به لحاظ مشروعیت و ضابطه‌مندی این گونه نیستند.

۲. چنان‌که برخی از علمای اهل سنت نیز معترف‌اند، ازدواج مسیار برخلاف ازدواج دائم نمی‌تواند برقرارکننده رحمت، مودت و محبت میان زوجین باشد و در بسیاری موارد ثمره‌ای جز ایجاد خلل

در کانون خانوادگی ندارد (ر.ک: بریدی، ۲۰۰۹)؛ ضمن آنکه حتی دارای امتیازات ازدواج موقت نیست. ماهیت متعه و حکمت تشریح آن، دوری از ارتکاب گناه در شرایط عدم امکان ازدواج دائم است. اگر ازدواج موقت در شرایط اضطراری و با آداب اسلامی و فقهی آن برگزار شود، اولاً، تأمین کننده نیاز جنسی افراد با خاطری آسوده از حیث شرعیت آن و در نتیجه داشتن آرامش از این جهت است، در حالی که ازدواج مسیار به علت تردیدی که در مشروعیت آن است موجب آرامش خاطر نخواهد بود. ثانیاً، ازدواج موقت اگر محدود به شرایط خاص خود و در چارچوب مقررات و توصیه‌های دینی انجام پذیرد، از رواج ازدواج‌های خلق‌الساعه جلوگیری می‌کند و موجب ثبات در جامعه و خانواده‌ها و آثار تربیتی مثبت خواهد شد، در حالی که گرایش به ازدواج مسیار، رواج انواع ازدواج‌های خلق‌الساعه با اسامی مختلف و در نتیجه عدم ثبات در خانواده‌ها و جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ همان‌گونه که هم‌اکنون ازدواج دیگری نیز با نام ازدواج عرفی جریان دارد.

۳. تقید به ازدواج دائم و در مواقع ضروری و شرایط خاص به ازدواج موقت، متخلق شدن به اخلاق دینی و حرکت در چارچوب دین و احترام به احکام شرعی فقهی را در پی دارد که بی‌شک اثر تربیتی مثبتی در فرد و جامعه به جای می‌گذارد، در حالی که گردن نهادن به ازدواج‌هایی مانند مسیار، عدم تخلق به اخلاق اسلامی و دور شدن از احکام الهی را به دنبال دارد که طبیعتاً به لحاظ تربیتی بسیار مخرب خواهد بود. بنابراین، از آثار منفی این نوع ازدواج، سهل‌انگاری راجع به احکام الهی و راه باز کردن برای تعدی به سایر احکام دین اسلام است.

۴. زن فطرتاً نیازمند مردی است که در فراز و نشیب‌های زندگی حامی همیشگی و تکیه‌گاه محکمی برای او باشد، اما همان‌گونه که برخی اندیشمندان سنی مذهب نیز معترف‌اند، در ازدواج مسیار چنین اتفاقی نمی‌افتد، زیرا زن احساس می‌کند مرد سرپرست او نیست که این احساس منجر به رفتار بد زن می‌شود و سستی در تربیت فرزندان را به دنبال دارد که تأثیر منفی بر شخصیتشان دارد (بریدی، ۲۰۰۹).

۵. دیگر از آثار منفی تربیتی آن، فرار از مسئولیت‌پذیری است. خداوند انسان را مسئول قرار داده است. در آیات (اسراء: ۳۴؛ احزاب: ۱۵؛ صافات: ۲۴) و روایات زیادی (نهج البلاغه، ۱۹۹ و ۴۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۴۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۶۳ / ۳۱۶، ۸۲ / ۳۲۸ و ۳۴۱، ۸۷ / ۲۰۷ و ۳۱۶) به این موضوع تصریح شده است. خداوند می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.

نیز می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

در این آیه، خداوند مردان را در حفظ همسر و فرزندان خود از آتش جهنم در اثر نافرمانی احکام الهی مسئول می‌داند. طبق این آیات و روایات، خداوند مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را از وظایف و خصوصیات انسان می‌داند و تکلیف‌بندگان بر انجام واجبات و ترک محرمات در راستای همین موضوع است. اما ازدواج مسیار دقیقاً در مخالفت با این مسئله است. وقتی که والدین مسئولیت‌پذیر نباشند، در تربیت فرزندان حاصل از این ازدواج کوشا نخواهند بود و نمی‌توانند نقش خود را در تربیت مسئولانه و متعهدانه فرزندان‌شان به خوبی ایفا کنند.

۶. فرهنگ‌سازی منفی در زمینه تعدی به حقوق زنان و ترویج نادیده گرفتن تکالیف خداوند در نهاد خانواده نسبت به زن و فرزند، از آثار منفی آن است. علی‌رغم تأکید و اهمیت فراوان دین به تربیت صحیح فرزندان و نظارت والدین بر آنها، رواج چنین ازدواجی عملاً با غرض مذکور در تنافی است.

۷. حرکت در مسیر دین و معنویت و رسیدن به هدف غایی خلقت، یعنی نیل به کمال انسانیت و قرب الی الله، نیازمند فراهم بودن ابزاری چون داشتن آرامش، امنیت و سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه است، و ازدواج دائم فراهم‌کننده چنین فضایی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در حالی که رواج ازدواج مسیاری به شدت گرایش به ازدواج رسمی دائم را تضعیف می‌کند.

نتیجه

از مباحث گذشته نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. عوامل مختلفی موجب گرایش به ازدواج مسیاری می‌شود که نیاز به ازدواج و عدم توانایی مالی در مردان، و افزایش جمعیت زنان مجرد و نیاز آنها به داشتن حامی و تأمین شدن حوائج مادی زنان، از مهم‌ترین اسباب است. تسهیل در ازدواج آسان، تلاش والدین در تربیت فرزندان بر اساس اعتقادات و احکام و اخلاقیات شرع مقدس، در راستای تقویت تعهدات دینی و مسئولیت‌پذیری آنها، و اهمیت دادن به نیازهای روحی و جسمی و جنسی آنان توسط والدین و مسئولان ذیربط در سنین خاص، می‌تواند در جلوگیری از گرایش به این نوع ازدواج‌های خلق‌الساعه بشری و گسترش آنها مؤثر باشد.

۲. برخی از آثار منفی تربیتی این نوع ازدواج، عبارت است از: مسئولیت‌گریزی، تساهل و تسامح راجع به احکام دینی الهی، فرهنگ‌سازی تعدی به حقوق زنان و فرزندان، از بین رفتن مودت و

رحمت در خانواده، کوتاهی و بی‌توجهی والدین به تربیت صحیح و متعهدانه فرزندان، تضعیف ازدواج رسمی دائم و در نتیجه دور شدن از هدف غایی خلقت که همان تربیت صحیح انسان با هدف رسیدن به کمال انسانیت است.

۳. این ازدواج بر اساس مبانی اهل سنت و امامیه مشروعیت ندارد، زیرا از یک سو سابقه‌ای در عصر پیامبر^۲ ندارد، و از دیگر سو از مصادیق ازدواج دائم و موقت محسوب نمی‌شود و چیزی حد وسط آنهاست که مطابق ضوابط فقهی به دلیلی مستقل از قرآن و سنت بر مشروعیت خود نیاز دارد که آن هم مفقود است.

۴. احساس نیاز بخش مهمی از جامعه سنی مذهب به ازدواجی غیر از نکاح دائم، بر ضرورت بازگشت آنان به حکم الهی تأکید می‌کند. علاوه بر اینکه تأییدی بر پاسخ‌گویی دین به نیازهای افراد در شرایط خاص با رعایت حقوق زن و مرد و فرزندان است.

۵. نگاه امامیه به تبع امامان معصوم^۳ به ازدواج موقت، محدود به شرایط خاص و ضرورت‌هاست و هیچ‌گاه به رواج آن توصیه نمی‌شود. راه‌حل نهایی مشکلات بشر در این حوزه، ازدواج دائم است که علاوه بر استحکام خانواده، آرامش، مودت، تولید نسل و رعایت حقوق دو طرف را به دنبال خواهد داشت.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین موسوی، تصحیح عزیرالله عطاردی، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.

ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق.
ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، قاهره، دار الهجر، ۱۴۰۶ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

ابوالبصل، علی، دراسات فی فقه النوازل، عمان، دار اسامه، ۲۰۰۸.

اشقر، اسامه عمر سلیمان، مستجدات فقهیه فی قضايا الزواج و الطلاق، اردن، دارالنفائس، ۱۴۲۰ق.

اصفهانى، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، تصحیح گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.

بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، تصحیح: محمدتقی ایروانی و عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

تمیمی، احمد، نکاح المسیار، مجلة الاسرة، هلند، شماره ۶، ۱۴۱۸ق.

جبعی عاملی، زین الدین، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.

_____ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.

- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق.
- حائری طباطبایی، علی بن محمد، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، تصحیح محمد بهره‌مند، محسن قدیری، کریم انصاری و علی مروارید، قم، مؤسسه آل‌البیت^۱، ۱۴۱۸ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت^۱، قم، مؤسسه آل‌البیت^۱، ۱۴۰۹ق.
- حصفکی، علاء‌الدین، *حاشیه ابن عابدین*، قاهره، مطبعة البابى الحلبي، ۱۳۳۸ق.
- حلی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*، تصحیح ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق^۲، ۱۴۲۰ق.
- _____، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، لبنان - سوریه، دارالعلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، *المسائل الناصریات*، تصحیح مرکز پژوهش و تحقیقات علمی، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامیة، ۱۴۱۷ق.
- شعراوی، محمد متولی، *احکام الاسرة و البيت المسلم*، بیروت، المكتبة المصرية، ۱۴۲۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الخلافا*، تصحیح علی خراسانی، جواد شهرستانی، مهدی طه نجف و مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.

_____ المبسوط في فقه الإمامية، تصحيح محمدتقي كشفى، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.

عتيبي، احسان بن محمد، احكام التعدد في ضوء الكتاب و السنة، اردن، بي نا، ۱۴۱۸ق.

فيض كاشاني، محمدمحسن، مفاتيح الشرائع، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، بي تا.

قراfi، شهاب الدين احمد بن ادريس، الذخيرة، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ۱۹۹۴.

كركي، علي بن حسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، تصحيح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت[^]، قم، مؤسسه آل البيت[^]، ۱۴۱۴ق.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.

مجلسي، محمداقبر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار[^]، بيروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.

مكارم شيرازي، ناصر، كتاب النكاح، تهييه و تنظيم محمدرضا حامدي و مسعود مكارم، قم، انتشارات امام علي بن ابي طالب x، ۱۴۲۴ق.

موسوي خميني، روح الله، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بي تا.

_____ توضيح المسائل (محصي)، تصحيح محمدحسين بني هاشمي خميني، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۲۴ق.

نجفي، حسن بن جعفر كاشف الغطاء، أنوار الفقاهة، نجف اشرف، مؤسسه كاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.

نجفي، محمداحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ق.

يزدي طباطبائي، محمداظم، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحصي)، تصحيح احمد محسن سبزواري، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۹ق.

سايته

بررسی فقهی تربیتی ازدواج مسیاری در مطابقت با ازدواج دائم و موقت □ ۱۳۴

بریدی، عبدالله، زواج المسیاری نمط قدیم فی التاریخ الاسلام، ۲۰۰۹. www.alwatan.com.

غامدی، فاطمه، نساء یطلبین زواج المسیاری، ۲۰۰۷. www.aliyadh.com/217742.

An Educational-jurisprudential Study of Misyar Marriage as Compared with Permanent and Temporary Marriages

Taher Ali Muhammad **

Abdul Jabbar Zargush Nasab **

Abstract

Misyar marriage is a form of marriage that has become widespread in the Persian Gulf countries. It is a form of marriage having some of the features of marriage such as offer and acceptance and Sadaq (marriage portion settled upon the wife) while there are no matrimonial obligations and rights. For instance, the wife is deprived of some rights such as alimony, housing, clothing and the right to swear. There is discrepancy among Sunni jurists regarding the lawfulness of this kind of marriage. In view of the fact that some segments of Sunni communities are practicing Misyar, it seems appropriate to investigate the lawfulness and negative educational impacts of this type of marriage with a view to the conditions and requirements of permanent and fixed-time marriage. In this study which adopts a descriptive analytical method, we came to the conclusion that Misyar marriage is not lawful on the grounds that it is not consistent with the definition of lawful permanent marriage provided by Sunni and Shiite religions, it is substantially different from temporary marriage and entails multiple negative educational consequences.

Key words: Misyar marriage, permanent marriage, temporary marriage, educational effects, marital rights.

* Date of submission: 23/1/2016 Date of acceptance: 18/3/2016.

*** Faculty member and associate professor, Elam University (writer in charge)
(tahghighat@chmail.ir).

** Faculty member and assistant professor, Elam University.

